

معیارهای قابلیت در تفکر نقادانه

به همراه دستورالعمل نمره‌دهی برای آموزشگران

ریچارد پل - لیندا الدر

ترجمه

محمدرضا سلیمی

ویرایش و بازنویسی

مهدی خسروانی

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران، ۱۴۰۱

A Guide for Educators to Critical Thinking Competency Standards With a Critical Thinking Master Rubric

Richard Paul and Linda Elder

معیارهای قابلیت در تفکر نقادانه

به همراه دستورالعمل نمره‌دهی برای آموزشگران

ریچارد پل - لیندا الدر

ترجمه محمدرضا سلیمی

ویرایش و بازنویسی مهدی خسروانی



نشر نو

تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شمارهٔ سیزده

تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۱۰۰

طراح یونیفورم جلد: محمد جهانی مقدم

چاپ و صحافی: سپیدار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همهٔ حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی

سرشناسه: پل، ریچارد Paul, Richard □ عنوان و نام پدیدآور: معیارهای قابلیت در تفکر نقادانه (به‌همراه دستورالعمل نمره‌دهی برای آموزشگران) / ریچارد پل، لیندا الدر؛ ترجمه محمدرضا سلیمی؛ ویرایش و بازنویسی مهدی خسروانی □ مشخصات نشر: تهران: فرهنگ نشر نو: آسیم، ۱۴۰۰ □ مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص. □ شابک: ۵-۳۴۵-۴۹۰-۶۰۰-۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا □ یادداشت: عنوان اصلی: *A guide for educators to critical thinking competency standards: standards, principles, performance indicators, and outcomes with a critical thinking master rubric.* [2019] □ موضوع: تفکر انتقادی □ شناسهٔ افزوده: الدر، لیندا، ۱۹۶۲ م. □ Elder, Linda: شناسهٔ افزوده: سلیمی، محمدرضا، ۱۳۴۶ -، مترجم: شناسهٔ افزوده: خسروانی، محمدمهدی، ۱۳۵۶ -، ویراستار □ رده‌بندی کنگره: LB1۵۹۰/۳ □ رده‌بندی دیویی: ۳۷۰/۱۵۲ □ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۴۲۵۲۷

مرکز پخش: آسیم

تلفن و دورنگار: ۵-۸۸۷۴۰۹۹۲

فروشگاه اینترنتی: www.nashrenow.com

قیمت: ۸۰۰,۰۰۰ ریال

بخش اول

سنجشگرانه‌اندیشی و رابطه نزدیک آن با یادگیری و آموزش و پرورش

در ابتدا بر پیوندهای نزدیک بین سنجشگرانه‌اندیشی، یادگیری، و آموزش و پرورش تمرکز می‌کنیم. آموزشگران صرفاً زمانی اهمیت قراردادن سنجشگرانه‌اندیشی در کانون آموزش را درک خواهند کرد که این ارتباطها را بفهمند.

مفهوم سنجشگرانه‌اندیشی

بسته به اینکه غایتمان چه باشد، مفهوم سنجشگرانه‌اندیشی را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی تعریف کرد (اگرچه، ماهیت آن، مانند هر مفهوم دیگری، همیشه یکسان است).

قاب شفافیت

سنجه‌های فکری جهان‌روا: سنجه‌ها (استانداردها)یی که برای ارزیابی اندیشه و اندیشیدن به کار می‌روند. دلیل «جهان‌روا» نامیدن این سنجه‌ها این است که همه جا روایی (اعتبار) دارند.
فضیلت فکری: خصلت‌های مثبت فکری همچون تواضع فکری، شهامت فکری، و... که به ارتقای کیفیت اندیشیدن فرد کمک می‌کنند.

این تعریفی است که در ارزیابی توانایی‌های سنجشگرانه‌اندیشی بسیار سودمند است:

سنجشگرانه‌اندیشی یعنی فرآیند تحلیل و ارزیابی اندیشیدن با هدف ارتقای اندیشیدن. سنجشگرانه‌اندیشی مستلزم شناخت اساسی‌ترین ساختارهای اندیشیدن (عنصرهای اندیشه) و اساسی‌ترین سنجه‌های فکری برای ارزیابی اندیشیدن (سنجه‌های فکری جهان‌روا) است. مقصود از «روایی» همان «اعتبار» است و مقصود از «سنجه‌های فکری جهان‌روا» سنجه‌هایی است که همه جا روایی (اعتبار) دارند. رمز جنبهٔ خلاقانه‌ی سنجشگرانه‌اندیشی (ارتقای اندیشه در عمل) در بخشیدن ساختار تازه به اندیشیدن است که خود حاصل تحلیل و ارزیابی کارآمد آن است.

مهم است که آموزشگران هنگام پرورش مهارت‌های سنجشگرانه‌اندیشی، این کار را با هدف نهایی پرورش فضیلت‌های فکری انجام دهند. آمادگی‌ها یا فضیلت‌های فکری تفاوت متفکر ماهرِ سفسطه‌گر با متفکر ماهرِ باانصاف را مشخص می‌کنند. سنجشگرانِ باانصاف همیشه از تواضع و همگامی فکری برخوردارند. آنها به عقل اطمینان دارند و از صداقت فکری برخوردارند و استقلال و شهامت فکری نشان می‌دهند.

این امکان وجود دارد که بعضی از مهارت‌های سنجشگرانه‌اندیشی را در یک یا چند حوزهٔ محتوایی پرورش دهیم بدون اینکه به پرورش مهارت‌های سنجشگرانه‌اندیشی به طور کلی بپردازیم. بهترین رویکرد در آموزش این است که هر دو گروه مهارت را پرورش دهیم تا دانشجویان خوب استدلال کردن در طیف وسیعی از موضوعات و حوزه‌ها را یاد بگیرند.

محتوای آموزش و چگونگی آموزش

اینکه چه چیزی را آموزش دهیم به محتوایی که می‌خواهیم دانشجویان فرا بگیرند برمی‌گردد؛ یعنی همهٔ چیزهایی که می‌خواهیم دانشجویان یاد بگیرند.

«چگونگی» آموزش همان فرآیند آموزش است؛ یعنی همه کارهایی که انجام می‌دهیم تا به دانشجویان کمک کند که محتوا را عمیق و هدفمند فرا گیرند. بیشتر آموزشگران چنین می‌انگارند که اگر محتوا را به دانشجویان عرضه کنند، دانشجویان به طور خودکار روش و چگونگی مناسب را نیز به کار خواهند برد. این انگاشته رایج، اما غلط، سال‌ها آفت آموزش بوده و هست. متأسفانه، آموزش و پرورش به جای آنکه بر یادگیری شیوه یادگیری تمرکز کند بر «میزان محتوا» تمرکز کرده است و به همین دلیل نتوانسته به دانشجویان بیاموزد که چگونه زمام یادگیری‌هایشان را در دست بگیرند، چگونه انگاره‌ها را درونی کنند، و چگونه انگاره‌ها را در مطالعات درون‌رشته‌ای و میان‌رشته‌ای به هم ربط دهند. بیشتر آموزشگران روش‌های آموزشی را بر اساس انگاشته‌های زیر طراحی می‌کنند:

۱. دانشجویان می‌توانند محتوای درسگفتار را با کمترین درگیری فکری فرا بگیرند؛
۲. دانشجویان می‌توانند محتوای مهم را بدون کار فکری زیاد یاد بگیرند؛
۳. حفظ کردن کلید یادگیری است؛ بنابراین، دانشجویان باید اطلاعات زیادی را ذخیره کنند (که می‌توانند در صورت لزوم بعداً از آنها استفاده کنند).

سنجشگرانه‌اندیشی چگونگی فراگیری هر محتوای آموزشی است

چنانکه قبلاً اشاره کردیم، یک مانع مهم برای پرورش اندیشیدن دانشجویان این است که تعداد بسیار کمی از آموزشگران مفهوم یا اهمیت درگیری فکر در یادگیری را می‌فهمند. تعداد زیادی از آموزشگران که خودشان با سخنرانی آموزش دیده‌اند طوری درس می‌دهند که گویی انگاره‌ها و اندیشه‌ها را می‌توان به درون ذهن مخاطب ریخت و لازم نیست ذهن برای فراگیری آنها کار فکری انجام دهد.

آموزشگران، برای آنکه به دانشجویان این قابلیت را بدهند که یادگیرندگان کارآمدی شوند، خودشان باید چیزهایی را یاد بگیرند؛ باید یاد بگیرند کار فکری چگونه است، ذهن هنگام درگیری با کار فکری چگونه عمل می‌کند، و جدی گرفتن انگاره‌ها و به تملک درآوردن آنها چه لازمه‌هایی دارد.

به این منظور، آموزشگران باید نقش اصلی اندیشیدن در فراگیری دانش را بفهمند. پستالوتسی^۱ این مطلب را چنین بیان می‌کند:

اندیشیدن بشر را به سمت دانش و شناخت هدایت می‌کند. او می‌تواند از دیدن، شنیدن، خواندن، و یادگیری بسیاری چیزها لذت ببرد و آنها را، به همان اندازه که برایش خوشایند هستند، ببیند، بشنود، بخواند، و یاد بگیرد؛ اما هرگز به شناختی درباره آن چیزها نمی‌رسد، مگر آنکه درباره جوانبشان ببیند، و با اندیشیدن به تملک ذهن خود در بیاورد.

جان هنری نیومن^۲، بیش از ۱۵۰ سال پیش، این فرآیند را چنین توصیف کرد:

[این فرآیند] صرفاً پذیرفتن منفعلانه چند انگاره که قبلاً برای ذهن ناشناخته بودند نیست، بلکه کار همزمان و پرتحرک ذهن روی آن انگاره‌های جدیدی است که از هر طرف به ذهن هجوم می‌آورند. این فرآیند فعالیت نیروی سازنده‌ای است که به آنچه دریافت کرده‌ایم نظم و معنی می‌دهد؛ از آن شخص خود کردن موضوع شناخت است؛ به زبان ساده، در این فرآیند آنچه دریافت نموده‌ایم را در مایه فکری‌ای که از قبل داریم هضم می‌کنیم؛ بدون این فرآیند هیچ رشدی حاصل نمی‌آید. هیچ رشدی حاصل نمی‌آید، مگر اینکه انگاره‌هایی که در

1. Pestalozzi

2. John Henry Newman

مقابل ذهن قرار گرفته‌اند را با هم مقایسه نموده و به آنها نظام دهیم. ما زمانی احساس می‌کنیم ذهن‌مان در حال رشد و گسترش است که نه تنها بیاموزیم بلکه نسبت آموخته‌های خود را با آنچه از قبل می‌دانیم روشن کنیم. این فرآیند صرفاً افزودن چیزهایی به دانشمان که باعث روشنگری می‌شود نیست، بلکه حرکت رو به جلوی محور ذهنی ماست؛ محوری که دانسته‌های ما و آموخته‌های ما (انباشته آنچه فرا گرفته‌ایم) به سمت آن گرایش پیدا می‌کند و پیرامون آن شکل می‌گیرد.

سنجشگرانه‌اندیشی مجموعه آمادگی‌ها، توانایی‌ها، و مهارت‌های فکری است که جان هنری نیومن در این متن توصیف می‌کند. سنجشگرانه‌اندیشی به تسلط بر محتوا و یادگیری عمیق می‌انجامد و موجب می‌شود ارزش بیشتری برای دلیل‌ها و شواهد قائل شویم. دانشجویان را ترغیب می‌کند که اطلاعات را کشف و پردازش کنند و در این کار انضباط فکری را رعایت کنند. سنجشگرانه‌اندیشی به دانشجویان می‌آموزد که درباره مسیری که در استنتاج‌های خودشان طی می‌کنند بیندیشند، از عقیده و نظر خود یا دیگران درباره موضوعاتی پیچیده دفاع کنند، نظرگاه‌های متعدد و گوناگونی را در نظر بگیرند، تبیین‌ها، نظریه‌ها، و مفهومی‌ها را تحلیل کنند، به مسائل و موضوعات و نتیجه‌گیری‌ها وضوح ببخشند، مسائل و مشکلات را حل کنند، انگاره‌ها را به بافتارهای جدید منتقل کنند، انگاشته‌ها را واریسی، و واقعیت‌های ادعاشده را ارزیابی کنند، برآیندها و پیامدها را بکاوند، و وجود تناقض‌ها و ناهمسازی‌ها (ناسازگاری‌ها) در تجربه و اندیشه خودشان را بپذیرند. با اندیشیدن، و فقط با اندیشیدن، است که می‌توان بر محتوا تسلط یافت.

اندیشه و محتوا جدایی‌ناپذیرند؛ رقیب هم نیستند بلکه شریک هم‌اند. چیزی با عنوان «اندیشیدن درباره هیچ‌چیز» وجود ندارد. زمانی که درباره هیچ چیز می‌اندیشیم، در واقع در حال اندیشیدن نیستیم. اندیشیدن به محتوا و مطلب نیاز دارد؛ به چیزی که درباره‌اش بیندیشیم. از طرف دیگر

محتوا وجود خودش را مدیون اندیشیدن است. محتوا از راه اندیشیدن کشف و خلق می‌شود؛ از راه اندیشیدن است که محتوا تحلیل، ترکیب، سازمان‌دهی، و متحول می‌شود؛ و از راه اندیشیدن است که پذیرفته یا رد می‌شود.

اگر محتوا را جدا از اندیشیدن آموزش دهیم، مطمئناً دانشجویان هرگز یاد نخواهند گرفت که در درون رشته خود (که محتوا را خلق و تعریف می‌کند) بیندیشند. اگر محتوا را آموزش دهیم اما اندیشیدن را آموزش ندهیم، توهم صرف دانش را جایگزین دانش واقعی کرده‌ایم؛ و این یعنی محروم کردن دانشجویان از فرصت تبدیل شدن به یادگیرندگان مادام‌العمر، بانگیزه، و خودهدایتگر.

سنجشگرانه‌اندیشی و یادگیری

بینش کلیدی درباره ارتباط بین سنجشگرانه‌اندیشی و یادگیری را می‌توان، به طور خلاصه، اینچنین بیان کرد:

تنها ظرفیتی که می‌توانیم از آن برای یادگیری استفاده کنیم تفکر انسانی است. اگر هنگام یادگیری خوب فکر کنیم، خوب یاد می‌گیریم. اگر اندیشیدن ما هنگام یادگیری ضعیف باشد، یادگیری ما نیز ضعیف خواهد بود.

یادگیری مجموعه‌ای از محتواها (برای مثال، محتواهای یک رشته دانشگاهی) برابر است با یادگیری اندیشیدن در درون آن رشته. بنابراین، برای یادگیری زیست‌شناسی فرد باید یاد بگیرد زیست‌شناسانه بیندیشد. برای یادگیری جامعه‌شناسی فرد باید یاد بگیرد جامعه‌شناسانه بیندیشد. اگر بخواهیم دستورالعمل‌هایی برای یادگیری به طور کلی تنظیم کنیم، این دستورالعمل‌ها باید بر حسب اندیشیدنی بیان شوند که فرد، برای